

بسم الله الرحمن الرحيم

ماهی که در خورشید ایستاده است

معصومه اخوان



سرشناسه
عنوان و نام پدیدآور :
مشخصات نشر :
مشخصات ظاهری :
شابک :
رصعیت فهرست نویسی :
موضوع :
موضوع :
رده ندی کتاره :
رده بند دیوید :
شماره کتابت سی :
: اخوان، معصومه، ۱۳۶۰-
: ماهی که در خورشید ایستاده است/معصومه اخوان ؛
ویراستار بخشعلی نهاوندی.
: اردبیل: باغ رضوان، ۱۳۹۸.
: ۱۷۸ص.
: 978-600-7931-90-5 ۳۰۰۰۰۰ ریال
: فیپا
: شعر فارسی-- قرن ۱۴
: Persian poetry -- 20th century
: PIR۸۳۳۴
: ۸۱/۶۲
: ۵۷۵۳۷۲۷

سازمان اسناد و کتابخانه ملی

نام کتاب : ماهی که در خورشید ایستاده است
نویسنده : معصومه اخوان رویندزق
ناشر : انتشارات باغ رضوان
چاپ و صحافی : پیشگام
نوبت چاپ ، سال : اول ، ۱۳۹۸
شمارگان : ۱۰۰۰
قطع : رقعی
قیمت : ۳۰۰۰۰۰ ریال
ویراستار : بخشعلی نهاوندی
تنظیم و صفحه آرای : رضا محمودی شیران
طراح جلد : معصومه اخوان رویندزق
شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۷۹۳۱-۹۰-۵

کلیه حقوق قانونی و مادی و معنوی برای مؤلف محفوظ است. هیچ شخص حقیقی یا حقوقی حق تکثیر تمام یا قسمتی از این مجموعه را ندارد. در صورت مشاهده تحت پیگرد قانونی قرار می گیرند.

مرکز پخش : ۰۹۹۱۲۱۴۱۵۰۵

فهرست

۷	مقدمه
۱۱	دلاطون محبت
۱۳	یاد تو بیدار
۱۵	سفری سکون
۱۷	سپیدمهره
۲۱	بزیار گاو
۲۳	دوشیزه‌ی آشته
۲۴	انزوای نا آرام
۲۵	حرفی بزن
۲۷	قبای شوق
۲۸	بیداری خواب
۳۰	نفس
۳۱	حضرت خدا
۳۲	زخم بی مرهم
۳۴	سطرهای سربریده
۳۶	سی دقیقه به عشق
۳۸	شبیه هیچ
۴۱	خالی از خویش
۴۳	آغوش برف
۴۴	اولین بوسه
۴۶	ساعت بیست و دو
۴۸	واقع‌های رؤیا
۵۰	مسخ
۵۱	مجروح
۵۲	مهر بی پایان
۵۴	هجوم دلتنگی
۵۶	دخترم
۵۸	آسمان التماس

۶۰	فقیرانه
۶۲	کسوف
۶۳	خلاء
۶۴	بغض
۶۶	دل‌تنگ
۶۷	بغض آفتاب
۶۹	رواق پوشیده
۷۰	آرام و مغرور
۷۲	قه‌ان صحنه‌های ویران
۷۴	خطر " تو "
۷۵	دایت زنی سی‌کم
۷۷	حریم
۷۸	خالی خانه من
۸۱	پر از آغاز
۸۳	نمی‌دانی
۸۴	تنگدل
۸۶	نور و نفس
۸۸	شیوه‌ی خواستن
۹۰	پوشیده از عربانی
۹۲	باریکه‌ی نور
۹۴	فصل انتحار
۹۶	دست نگاه
۹۸	ماحصل
۹۹	باران
۱۰۱	شعله‌های خیس
۱۰۲	بسم الله نگاهت
۱۰۵	کمی از خودت را
۱۰۸	باده
۱۱۰	سایه‌های زلال
۱۱۲	خورشید
۱۱۳	اقیانوس
۱۱۴	زمین‌گیر
۱۱۶	غزل

۱۱۷	املاء
۱۱۹	پنجره‌ی سوخته
۱۲۰	آتش درد
۱۲۲	دیر کرده‌ای
۱۲۴	غولی در من بیمار است
۱۲۶	هج آن
۱۲۸	یوار بوی تو را نمی‌دهد
۱۳۱	هیاهوی مرده
۱۳۳	باغ
۱۳۴	روزی صبح
۱۳۶	سفسف
۱۳۸	تاول دقیقه‌ها
۱۴۰	ساعت‌های عبوس
۱۴۲	ذره‌ی خدا
۱۴۵	زنی از جنس زمستان
۱۴۷	طاقت‌سوز
۱۵۰	ناله‌ی خاموش
۱۵۲	آنه‌های جادویی
۱۵۴	لوتی درد
۱۵۶	آینه‌دار
۱۵۸	آهو
۱۶۰	طرحی زیبا
۱۶۳	جیره‌ی بهشت
۱۶۵	پيله‌ی زخمی
۱۶۷	تپش واژه‌ها
۱۶۹	ثانیه‌های شب مانده
۱۷۱	تلخ است
۱۷۳	ناگهان عارف تنهایی
۱۷۵	سرگردان
۱۷۷	عشق

به نام خدا

مقدمه

« آفرینندگان خیال، پیام‌آوران جمال »

نقش زنان در شعر از موضوعات دیرپایی است که از نقطه نظرات متفاوت، موضوع بحث و تحقیقات زیادی در شاخه‌های مختلف علوم انسانی قرار گرفته است. از نظر زبان و ادبیات فارسی، چه زمانی که زبان‌شناسان اجتماعی بر تأثیرگذاری نسبت بر زبان سخن به میان می‌آورند، و چه زمانی که در حوزه ادبیات به تأثیر عناصر خیال و زیبایی‌شناسی بر علوم بلاغت می‌نگریم، به تبیین نقش مستقیم و غیر مستقیم زنان در شعر می‌توانیم بپردازیم.

در تاریخ ادبیات فارسی، زنان چه زمانی که به صورت واقعی در منظومه‌های بزرگ شاعران ایفای نقش داشتند و یا تصویری محسوس در قالب شاخه نبات، یا خیالی معقول به شکل محوریت شعر غنایی از او ارائه شده، و چه از وقتی که نقش بازیگری را به نویسندگان و سرگردانی تصاویر خیالین شعر، در جایگاه شاعر بدل کرده، تأثیر محوری داشتند، با این وجود، قدمت ورود نشانه‌های شخصی زنان در شعر، به قدمت تاریخ ادبیات ایران نبوده و باز شدن ردپای قلم شاعران به این کار را به پروین اعتصامی یا دیوگ فرخزاد نسبت، و نخستین حضورهای ایشان در عرصه شعر اجتماعی را به حوالی مشروطه خواهی نشانی می‌دهند.

ولی اینکه شعر به عنوان یک اثر هنری و کاربردی آیا زنانه مردانه دارد یا خیر، موضوع دیگری است. اینکه جنسیت شاعر چقدر در شعر مؤثر است و آیا به آن نیز جنسیت می‌دهد و میزان اثرگذاری آن در تعامل با مخاطب تا چه اندازه به جنسیت او بستگی دارد، و اصولاً این موضوع چقدر در نقد اثر به کار می‌آید، مطالبی قابل طرح و بررسی است.

نگاه « نقد نو » به شعر، خالی از جنسیت است. پیش از این شاید می‌توانستیم برای شعر بانوان، شاخص‌هایی بیابیم که بتواند به ما نشان دهد که به اعتبار شاعر، بیان شعر یا جامعه‌ی هدف آن نیز زنانه یا مردانه است. ولی با پررنگ شدن نقش زن در جامعه‌ی امروزی و کمرنگ شدن مرز میان تفکرات و نظرات زنانه مردانه، دستیابی به چنین شاخص‌هایی دیگر سخت و گاه ناممکن شده است. ضمن اینکه با رویکرد نظریاتی چون « مرگ مؤلف » رولان بارت به متربندی نقد ادبی، اساساً صورت این مسئله پاک می‌شود.

وینی در نقدش یک شعر شیء کلامی بی‌زمان و مستقلی است که فارغ از شاعر و حتی خوانش مخاطب، خود پسند و ثابت است، دیگر چه نشانه‌ای برای اطلاق جنسیت به آن باشد می‌ماند. آیا ویژگی‌های زبانی؟

نکته‌ی قابل تأملی که نباید از نظر دور داشت، ظرفیت زبان فارسی در پذیرش و گسترش نگاه مبتنی بر عدم جنسیت در متن است. در دستور زبان فارسی، اسامی، صفات، ضمائر و افعال مذکر و مؤنث ندارند. در حالی که در بسیاری از زبان‌های زنده‌ی دنیا اینگونه نیست. آغاز مناقشه‌ی زبانی در مطالعات «فمینیستی» آنجایی است که من وقتی می‌خواهم از « او » بگویم، زبانم باید « او » را در قالب مردی مثلاً به شکل He یا She معرفت کند. و هر گاه بخواهم جنسیت را کنار بگذارم بالاخره در انتخاب میان این دو، دستور زبان به من می‌گوید که He را به کار ببر. وقتی عرفیت زبانی مرا وادار می‌کند که برای « او » همه مشمول، از He استفاده کنم، ناخودآگاه مرا به سمت تجربه‌ای مذکر بعنوان معیاری برای سنجش تجربیات مرد در جنس می‌کشد. و کم‌کم به بخشی از نگرش فرهنگی ریشه‌داری تبدیل می‌شود که تجربه‌ی زنانه را نادیده گرفته و ما را از دیدگاه زنان دور می‌کند. در حالی که در زبان فارسی اینگونه نیست. ما در فارسی واژه‌ی « شاعره » نیز نداریم. این لغت اگر هنوز مصطلح هم باشد از نظر ساختاری غلط است.

لوئیس تایسن در کتاب «نظریه‌های نقد ادبی معاصر» می‌نویسد: «هنگامی که به بررسی دهه‌ی ۱۹۲۰ بعنوان دوران دستاوردهای عظیم در ادبیات آمریکا پرداخته می‌شود، از دوازده نویسنده تأثیرگذار نام می‌برند که در این میان فقط "ویلا گدر" زن است! پس بقیه (که ۱۳ تن از شاخص‌ترین آنها را نام می‌برد) چه می‌شوند؟ ... این نشان می‌دهد که زنان نویسنده‌ی بسیاری را تاریخ ادبیات، و لزوماً جماعت اهل مطالعه‌ی معاصر، به حاشیه رانده است. حتی امروزه در حوزه‌های دیگر هنری نیز مشهود است. به همین ترتیب نگاه دوربین در سینما در اکثر فیلم‌های هالیوودی زاویه‌ای مذکر است. شخصیت‌های مؤنث چنان آماج نگاه دوربین هستند که گویی فقط چشمی مذکر در حال نگریستن به آن‌هاست.»

آنچه که نگاه ما بعنوان انسان یک جامعه‌ی سالم و بالغ نیاز دارد، تمایز میان دو واژه‌ی «جنس» و «جنسیت» است. منظور از جنس، ساختار فیزیکی ما بعنوان موجود مؤنث یا مذکر را نظریست. شناسی است. هیچکس منکر این تفاوت‌ها نیست. حتی فمینیست‌ها منکر این اختلاف‌ها نبوده و در بسیاری موارد به آن مباهات هم می‌کنند. ولی منظور از «جنسیت» نگرش فرهنگی ما به عنوان موجود زنانه یا مردانه است که عاریت‌های گاه نامربوط را به این دو جنس نسبت می‌دهیم. اینکه آیا تفاوت‌ها، مانند اندازه، ریخت، ترکیب شیمیایی بدن می‌تواند طبیعتاً عامل برتری یکی از جنس‌ها در هوش و استعداد و جسارت و مدیریت باشد؟ جنسیت مقوله‌ای ساختاری و پرداخته‌ی جامعه است و طبیعی نیست.

به هر حال در شعر امروز نگاه جنسینی دیگر وجود ندارد. حضور موفق بانوان شاعر در آفرینش و ارائه‌ی شعر نو در قالب‌های امروزی شعر فارسی دیگر به اثبات رسیده است و خوانندگان می‌دانند که باید برای شعر زنان امروز ارزشی همسنگ قائل شد. بهترین ارزشی که می‌توان برای شعر زنان امروز در نظر گرفت -از دیدگاه روانشناسی بانوان- خواندن آن است. این یک نیاز است. نیاز به شنیده شدن. اگر چه آن سوی این رشته، نیاز زن امروز به شنیده شدن

باشد، در این سو نیز ماییم که بعنوان مخاطب سخن ایشان، نیازمند به نگاه زیباشناختی از دیدگاه این « آفرینندگان خیال و پیام‌آوران جمال » هستیم.

« ماهی که در خورشید ایستاده است » تلاشی در دنیای واژه‌ها برای ارائه‌ی نگاهی شاعرانه به هستی است. دنیای واژه‌هایی برگرفته از تجربه‌های زندگی امروز در پوشش بیانی نو، با پیرایشی که دانش‌آموختگی نویسنده را در حوزه ادبیات نشان می‌دهد، و آرایشی که بر صورت این دنیا نشسته تا آنچه هست را زیبا ببینیم. و نگاهی که اگرچه به طور طبیعی تأثیر گرفته از جنس شاعر است، ولی جنسیت آن را بروز نمی‌دهد.

این نگاه بدیهی، تزارت خود را در نخستین نظر به شما نشان می‌دهد. اینجا که از ما می‌خواند « ماه » اسم عنوان سمبل زیبایی و دلربایی در شب‌های دلدادگی، در جایگاهی دیگرگونه ببینیم. ماه، این آفریننده خیال و پیام‌آور جمال، با تمام ویژگی‌های هستی‌مان خود که هر شب به تو سر می‌زند و آرام آرام نقش رؤیایی خود را در شب‌های منهای تو پررنگ‌تر می‌کند تا در بدر کامل؛ آسمان تاریک زندگی‌ات را روشن بخشد، تازه تو را به نیمه‌ی راه خود رسانده و رو به افول می‌نهد! و این راز تمامی محب‌های زمینی است که روشنایی را از سرچشمه‌ی اصلی نور وام می‌گیرند تا نگاه تو را به سوی خورشید جاودان حقیقت بکشند. تا بدانی آنچه روز و شب بر تو می‌تابد « ماه » است، نه این.

ولی یک وقت همین وام‌دار همیشگی خورشید، تو را با خورشید می‌چرخاند و می‌چرخاند، تا بایستد در میانه‌ی نگاه تو به « او ». تا سایه‌ای شود بر صورت تو. خورشید را کسوف کند. آن وقت تو باید در انتظار نور حقیقی باشی و ماهی این است « ماهی که در خورشید ایستاده است ».

وحید رشیدی

خرداد ۱۳۹۸